



Assistant in the Suicide of Children and Teenagers from the Point of View of Jurisprudence and Criminal Law

Fatemeh Barzegar¹, Zahra Fehrest^{2*}, Seyed Ali Pourmanouchehri³

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Tehran Center Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Tehran Center Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Tehran Center Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 223-236

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0005-5359-5946

TELL: 09124068224

Email: fehrest41@Gmail.com

Article history:

Received: 26 Apr 2025

Revised: 03 Jul 2025

Accepted: 08 Aug 2025

Published online: 23 Sep 2025

Keywords:

Suicide, Assisted Suicide, Independent Crime, Incitement to Suicide.

ABSTRACT

The suicide of children and adolescents as one of the health problems of the society has become an increasing trend that requires jurisprudence and legal investigation, especially since many of these materials are influenced by other factors in the cyberspace. The purpose of this article is to investigate the assistant in the suicide of children and teenagers from the point of view of jurisprudence and criminal law. The following article is descriptive and analytical and has investigated the subject of reference by using the library method. The results of the research show that the issue of suicide and assisting in it is considered haram and one of the major sins from the point of view of Sharia and they have the punishment of the afterlife. Also, aiding in suicide is a part of aiding and abetting the crime, even though there is no punishment for it as a separate crime. In Iran's criminal law, suicide has never been considered a criminal offense and no punishment has been determined for suicide, initiation of suicide, but inciting suicide as an independent crime is punishable. The incitement must be effective and as a result of the incitement of another commits suicide or commits a crime or begins to commit it. The Islamic Penal Code has prescribed a lighter punishment than the punishment of the master of the crime for the deputy of the crime and on the other hand, the former penal law or special laws of the deputy's punishment have been left to the Sharia and in some cases, the lawmaker of the crime is entitled to the same punishment as determined for The main perpetrator knows.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Barzegar, F; Fehrest, Z & Pourmanouchehri, SA (2025). "Assistant in the Suicide of Children and Teenagers from the Point of View of Jurisprudence and Criminal Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(3): 223-236.



انجمن علمی فقه برای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه برای تطبیقی

دوره پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

معاونت در خودکشی کودکان و نوجوانان از دیدگاه فقه و حقوق کیفری

فاطمه برزگر^۱، زهرا فهرستی^{۲*}، سیدعلی پورمنوچهری^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

خودکشی کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از معضلات سلامت جامعه روند فزاینده‌ای به خود گرفته است که نیازمند بررسی فقهی و حقوقی است، به خصوص که بسیاری از این مواد تحت تأثیر عوامل دیگری در فضای مجازی صورت می‌گیرد. هدف مقاله حاضر بررسی معاونت در خودکشی کودکان و نوجوانان از دیدگاه فقه و حقوق کیفری است. مقاله پیش رو توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که مسأله خودکشی و معاونت در آن از لحاظ شرعی حرام و جزء گناهان کبیره به حساب می‌آید و دارای عذاب اخروی می‌باشند. همچنین معاونت در خودکشی جزء اعانت بر اثم است و این درحالی است که برای آن به عنوان یک جرم جداگانه، تعزیراتی در نظر گرفته نشده است. در حقوق کیفری ایران، خودکشی هرگز عنوان مجرمانه به خود نگرفته و راجع به خودکشی، شروع به خودکشی مجازاتی تعیین نشده است، ولی تحریک به خودکشی به عنوان جرمی مستقل مجازات به دنبال دارد. قانون مجازات اسلامی مجازات خفیف‌تر از مجازات مباشر جرم را برای معاون جرم مقرر داشته است و از سویی قانون مجازات سابق و یا قوانین خاص گاه مجازات معاون به شرع واگذار شده است و در برخی موارد قانون‌گذار معاون جرم را مستحق همان مجازات تعیین شده برای مرتکب اصلی می‌داند، نتیجه این که تحریک باید مؤثر باشد و فرد در اثر تحریک دیگری به خودکشی دست بزند تا به عنوان معاونت در جرم تلقی شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۲۳-۲۳۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۵۹۴۶-۵۳۵۹-۰۰۰۵-۰۰۰۹

تلفن: ۰۹۱۲۴۰۶۸۲۲۴

ایمیل: fehrest41@Gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

خودکشی، معاونت در خودکشی، جرم مستقل، تحریک به خودکشی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

خودکشی در بین همه طبقات جمعیتی رخ می‌دهد، ولی باید توجه داشت کودکان و نوجوانان به دلیل تغییرات جسمانی، عاطفی و روان‌شناختی که هم‌زمان با دوران بلوغ روی می‌دهد، مستعد انجام چنین رفتار ناهنجاری می‌شوند (کیخاونی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۹). خودکشی در کودکان پیش از بلوغ بسیار نادر است، ولی پس از بلوغ میزان اقدام به خودکشی و خودکشی منجر به مرگ به طور چشم‌گیری افزایش می‌یابد و در میانه دهه ۲۰ عمر به بالاترین حد خود می‌رسد. تا دهه ۱۹۷۰ خودکشی در کودکان مورد قبول روان‌پزشکان و روان‌شناسان نبود. از ۱۹۷۰ به بعد مطالعات و تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفت. این تحقیق نشان داد که مهم‌ترین منبع آگاهی از رفتار خودکشی، تلویزیون و در مرحله بعدی، خودکشی مادر و افراد خانواده و سپس دوستان بودند. نتایج همچنین حاکی از آن است که وسایل ارتباط جمعی، یادگیری و زمینه‌های ژنتیکی در اقدام کودکان به خودکشی مؤثر هستند (فقه‌الاسلام و رضایی، ۱۳۸۴: ۱۲۶). طبق پژوهش‌های انجام گرفته در داخل کشور نیز بالاترین موارد اقدام به خودکشی در سنین ۲۵-۱۵ سال مشاهده شده است (قلعه‌ای‌ها و بهروزی‌فرد، ۱۳۹۵: ۵۹). برخی ویژگی‌های مربوط به کودک و نوجوان، مانند سطح خطرپذیری، رفتارهای تهاجمی و خشونت‌بار و وجود اختلالات روان‌پزشکی، مانند اسکیزوفرنی، اختلالات خلقی و مصرف برخی داروهای ضدافسردگی هم باعث افزایش احتمال اقدام به خودکشی در این گروه سنی می‌شود (اسلامی شهرابیکی و نصیریان، ۱۳۹۴: ۷۷). افزایش میزان اقدام به خودکشی نوجوانان در سال‌های اخیر یکی از نگرانی‌های مهم فعالان حوزه سلامت روان است. اخیراً همواره اخبار متعددی در زمینه خودکشی دختران و پسران نوجوان در رسانه‌ها منتشر می‌شود که بسیاری از این خودکشی‌ها در نتیجه فعالیت گسترده نوجوانان در فضای مجازی صورت می‌گیرد. همین امر بحث معاونت در خودکشی را به عنوان یک موضوع مهم که از منظر فقهی و حقوقی نیازمند تحلیل و بررسی است را مطرح کرده است. درخصوص معاونت در خودکشی پژوهش‌های متعددی انجام شده است: رضوانه عبدالکریمی کومله، در مقاله‌ای به بررسی معاونت در خودکشی در حقوق کیفری و قوانین

موضوعه ایران پرداخته است (عبدالکریمی کومله، ۱۴۰۲: ۱۵۸). علی رهبرپور و سیدعباس تقوی نیز در مقاله‌ای، معاونت در خودکشی را در حقوق موضوعه ایران بررسی کرده‌اند (رهبرپور و تقوی، ۱۳۹۷: ۹۱). همچنین جعفر جعفرزاده و همکاران در مقاله‌ای، ادله حرمت خودکشی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند (جعفرزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۱). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده این است که در این مقاله معاونت در خودکشی کودکان و نوجوانان از دیدگاه فقه و حقوق کیفری مورد بررسی قرار می‌گیرد. سؤال اساسی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود، این است که رویکرد فقه و حقوق کیفری در قبال معاونت در خودکشی کودکان و نوجوانان چگونه است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره، ابتدا معاونت در خودکشی کودکان و نوجوانان از دیدگاه فقه و سپس از منظر حقوق کیفری بررسی شده است.

۱- معاونت در خودکشی کودکان و نوجوانان از دیدگاه فقه امامیه

مهم‌ترین مبنای فقهی برای جرم‌دانستن معاونت در خودکشی قاعده حرمت اعانت بر اثم می‌باشد. «این قاعده که مستند به آیه «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده/۲) می‌باشد، دلالت بر حرمت معاونت در هر گناهی و ظلمی دارد» (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۶: ۱۷۶) و با عنایت به این که «خودکشی از زمره گناهان کبیره می‌باشد» (نساء/۲۹؛ اسراء/۳۳). «معاونت در ارتکاب آن، از مصادیق بارز اعانت بر اثم می‌باشد. فی الواقع، در حقوق کیفری اسلام، به عمل شخصی که با تهیه وسایل یا دادن اطلاعات لازم، موجبات خودکشی دیگری را فراهم می‌کند، اعانه بر اثم گفته شده و باتوجه به این که حکم اعانت بر اثم، مطابق قاعده فوق، حرمت است» (منتظری، ۱۴۱۷: ۳۲۸). بنابراین برای عمل شخص معاون به استناد همین قاعده باید حکم به حرمت داد.

باتوجه به این که ارتکاب عمل خودکشی، از جمله گناهان کبیره می‌باشد و روایات موجود نیز مؤید این مطلب است، هرگونه اقدام در راستای خودکشی مشمول اطلاق ادله حرمت قتل نفس واقع شده و بنابراین معاونت در ارتکاب آن نیز از مصادیق

مرحوم نراقی کاشانی در این باره می‌نویسد: «معاونت، یعنی فعلی از فاعل یا مباشر صادر شود و فردی مقدمات آن را فراهم کرده باشد» (نراقی کاشانی، ۱۴۱۷: ۷۰۲).

شیخ اعظم انصاری می‌گوید: «معاونت عبارت است از انجام دادن برخی از مقدمات فعل حرام به قصد ایجاد آن حرام نه مطلق انجام دادن آن مقدمات» (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۳۲/۱۱).

از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) «معاونت تهیه مقدمات و اسباب معصیت برای کسی است که قصد ارتکاب آن را دارد، اعم از این که تهیه اسباب برای رسیدن به آن هدف باشد یا نه و یا اثم در خارج تحقق یابد یا نه، اعانت بر اثم بوده و حرام است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۲۱۱/۱).

مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی در این باره نوشته: «اعانت یاری دادن، بنابراین معین همان مساعد در یک‌جهت یا سایر جهات است، ولیکن ظاهر عدم اختصاص مساعدت به مساعدت عملی است، بلکه شامل کمک فکری و ارشادی نیز می‌شود. خلاصه اعانت، یعنی یاری‌رساندن جهت صدور فعل حرام که فکری و عملی را شامل می‌شود» (لنکرانی، ۱۴۱۶: ۴۴۹/۱).

از آن چه که گفته شد، معلوم می‌شود نظرات فقها درخصوص مفهوم معاونت با هم تفاوت دارد، به‌طوری‌که عده‌ای از ایشان صرف علم و آگاهی را برای صدق عنوان معاونت کافی می‌دانند و برخی دیگر علاوه بر آن قصد ترتب نتیجه را نیز شرط می‌دانند و گروهی از متأخرین همچون مرحوم نراقی کاشانی «ضمن اعتبار علم و قصد، وقوع جرم اصلی را نیز شرط می‌دانند» (نراقی کاشانی، ۱۴۱۷: ۷۵)، اما شاید بتوان تعاریف فقها را باتوجه به تفاوت‌هایی که دارند، در این تعریف خلاصه کرد که: «معاونت آن است که فردی بدون این که فعل حرام مستند به عمل او باشد، مقدمات آن را فراهم کند، چه به‌صورت رفع مانع یا تسهیل طرق انجام آن یا کمک فکری و روانی.»

۱-۱- کتاب

در آیه ۲ سوره مائده آمده است: «تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان؛ در نیکی و پارسایی هم‌دستی کنید در گناه و ستمکاری و از خدا پروا کنید که خداوند سخت کیفر است.» در تعریف معاونت برخی ایراد گرفته‌اند که این آیه بر حرمت

بارز «اعانه بر اثم» محسوب شده و طبق قاعده، حکم آن حرمت است (لنکرانی، ۱۴۱۶: ۴۴۴/۱؛ منتظری، ۱۴۱۷: ۳۲۸). مطابق قاعده مذکور معاونت علاوه بر موارد عملی، شامل مصادیق فکری و ارشادی نیز خواهد شد (لنکرانی، ۱۴۱۶: ۴۴۹/۱). همچنین معاونت در خودکشی به حکم عقل نیز قبیح می‌باشد، هرچند این بدان معنا نیست که عمل مذکور الزاماً مورد جرم‌انگاری حقوقی نیز قرار گرفته باشد (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۲۱). مهم‌ترین مبنای فقهی برای جرم‌دانستن معاونت در خودکشی قاعده حرمت اعانت بر اثم می‌باشد. «این قاعده که مستند به آیه «لاتعاونوا علی الاثم و العدوان» (مائده/۲) می‌باشد، دلالت بر حرمت معاونت در هر گناهی و ظلمی دارد» (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۶: ۱۷۶) و با عنایت به این که «خودکشی از زمره گناهان کبیره می‌باشد» (نساء/۲۹؛ اسراء/۳۳).

شخصی که با همکاری دیگر یا دیگران گناهی مرتکب می‌گردد و فاعل را در انجام عنصر مادی کمک می‌کند، به این عمل فرد یا افراد در فقه اسلامی «اعانه بر اثم» گفته می‌شود و به آنان عنوان «معین» داده‌اند و به عمل فوق در حقوق جزای عرفی معاونت در جرم گفته می‌شود و به افراد فوق عنوان «معاون» داده‌اند. این موضوع در کتب قدامی فقه تحت این قاعده نیامده است، بلکه موردی از آن سخن به‌میان آمده است، مثلاً در فقه درجایی که می‌خواهند عمل فروش انگور به کسی که می‌خواهد شراب درست کند را مطرح نمایند، به این مطلب نیز اندکی اشاره می‌شود. به‌عنوان مثال شیخ انصاری در مکاسب محرمة در مبحث معونه الظالمین تا حدودی در این زمینه بحث کرده‌اند، اما خوشبختانه فقهای متأخر به این موضوع تحت عنوان «قاعده اعانه بر اثم» اشاراتی داشته‌اند. از آن جمله مرحوم نراقی در کتاب «عوائد الایام» و مرحوم بجنوردی و نیز مرحوم فاضل لنکرانی در کتاب «القواعد الفقہیة» (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۱۷۴/۴-۱۷۳). برخی به‌دلیل وضوح مطالب آن را قابل تعریف دقیق نمی‌دانند (حسینی شاهرودی، ۱۴۰۸: ۱۹۷/۱)، اما تعدادی به تعریف معاونت پرداخته‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

اعانت در راه اثم و عدوان دلالت دارد و غیر از تعاون است. اعانت این است که کسی دیگری را یاری دهد، ولی تعاون عبارت است از همکاری دو یا چند نفر یا یک گروه با یکدیگر به تعبیر دیگر، تعاون از باب تفاعل است و نیاز به دو فاعل دارد (شیخ طوسی، ۱۴۰۳: ۵۵/۳). «در پاسخ باید اظهار داشت که خداوند سبحان امر به تعاون بر بر و تقوی کرده است و همچنین از تعاون بر اثم و عدوان نهی فرموده است. این همه به اعتبار فعل واحد یا قضیه واحده و یا واقعه واحدی نیست، بلکه خطاب به عموم مسلمانان و مؤمنان است که هر کدام دیگری را در بر و تقوی یاری دهد و در اثم و گناه مساعدت و کمک ننماید» (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۰: ۳۰۴/۱).

بنابراین «اتلاق لفظ تعاون به اعتبار مجموع قضایاست نه به اعتبار یک قضیه واحده یا فعل واحد. به عنوان مثال اگر زید عمرو را در انجام کاری کمک کند و عمرو هم زید را در کار دیگر کمک نماید، تعاون انجام شده، یعنی با این که زید عمرو را اعانت کرده، همچنین عمرو، زید را یاری داده است، ولی می بینیم که تعاون هم بر آن دو صادق است، درحالی که نفس فعل انجام شده، یکی نیست، بلکه دو فعل است و برای تعاون احتیاج به یک فعل داریم نه دو فعل، بنابراین تعاون، شامل معنای اعانت هم می شود و انصافاً آیه در دلالتش قصوری ندارد، اگرچه لفظ تعاون که از باب تفاعل است، نیاز به دو فاعل دارد. اعانت بر اثم، یعنی جایی شخص با انجام کار خود وسیله حرام را فراهم نماید، مقدمه‌ای از مقدمات صدور حرام از غیر را ایجاد کرده، دست گناهکار را باز کند و او را در ارتکاب حرام متمکن سازد» (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۱۴۳/۱). «اما در رابطه با اثم و عدوان که همکاری نکنید به واسطه عمل و مشهور بودن می توان به ظاهر آن، عملکرد و اشکالی در آن نیست، لیکن بحث درباره وحدت سیاق آیه است، این که می توان نهی در آیه را بر کراهت حمل کنیم یا نه؟ در پاسخ باید گفت: اولاً در آیه دو جمله مستقل است که یکی حکم بر امر و دیگری حکم بر نهی است، وحدت سیاق زمانی حاصل می شود که ما دو جمله با یک حکم داشته باشیم که یا امر و یا نهی باشند، اما در این آیه این گونه نیست، زیرا حکم آن ها مستقل گانه هستند که یکی ایجاد شیء است و دیگری ممانعت از حصول شیء را بیان می کند؛ ثانیاً تتابع دو جمله در آیه مذکور دلیلی بر وحدت سیاق

نیست، برخلاف حدیث رفع که آن حضرت (ص) درصدد بیان رفع اشیا برآمده که باعث امتنان امت می شود و اگرچه مرفوع متعدد است، ولی به وسیله یک رفع امتنانی برداشته می شود» (لنکرانی، ۱۴۱۶: ۴۴۴/۱). «از ظاهر ماده عون به دست می آید، مراد همان مساعدت بر امری باشد و معین همان ظهیر و مساعد است و معنای معاونت زمانی صدق می کند که یکی معان و مباشر فعل و دیگری او را در صدور فعل یاری رساند، لذا مراد از «تعاون» در آیه شریفه آن است که برای غیر «معین» در معصیت نباشد و در نیکی ها معین برای غیر باشد، نه این که برای انجام دادن فعلی جمع شوند، کما این که در فرهنگ لغت می گویند. تعاونوا، اعتنوا، یعنی یکدیگر را یاری رساندن است، اما اگر مراد از تعاون، همان شرکت و شریک بودن در ایجاد مقدمه باشد، مقتضی جمود ظاهر قول آیه خواهد بود» (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۰: ۲۱۶/۱). اشکال دیگری که بر صدق اعانت می شود، آن است که مورد حکم در معاونت، تنزیهی است و دلیل آن تقابل امر و نهی است. امام خمینی (ره) برای رد اشکال فرموده اند: «حکم ما در آیه مبارکه، اگرچه تنزیهی نیست، دلیل ما اولاً تناسب حکم و موضوع و نیز حکم عقل است که هردوی آن ها، شاهد بر این است که این نهی بر تحریم شامل نهی تنزیهی نمی شود؛ ثانیاً ضرورت حرمت معاونت بر اثم و عدوان وارده در اخبار دلالت بر عدم تنزیهی بودن حکم نهی است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۱۳۲/۱-۱۳۱). «به اتفاق فقها، جمله دوم دلالت بر حرمت معاونت در اثم دارد، درحالی که جمله اول دلالت بر وجوب همکاری در نیکی و احسان دارد» (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۰: ۲۱۶/۱).

«دلالت بخش دوم آیه کریمه بر حرمت معاونت در جرم و گناه روشن است و محتاج به توضیح نیست. با این وجود، لازم به ذکر می باشد که مراد از اثم در آیه کریمه، مطلق گناه است، اعم از صغیره و کبیره آن، بنابراین جرایم هم که بر طبق نظر فقهای اسلام از اقسام گناه محسوب می شوند، داخل در بحث حرمت اعانه بر اثم قرار می گیرد» (مرعشی، ۱۳۷۵: ۱۵). آن چه که در آیه مزبور در زمینه تعاون آمده، یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را دربر می گیرد.

۲-۱- سنت

در اینجا برخی از روایات مستفیضی که فقها از آن قاعده حرمت اعانت بر اثم و عدوان را استنباط نموده‌اند، ذکر می‌کنیم:

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هرکسی در کشتن فرد مسلمانی، حتی در نوشتن کلمه و عبارتی مساعدت کند، در روز قیامت به گونه‌ای برمی‌خیزد که گویی بر پیشانی او نوشته شده از رحمت پروردگار مهربان مأیوس است» (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۰: ۳۰۶/۱).

همچنین از امام رضا (ع) نقل است که: «هر آن چه از جانب خداوند متعال و شریعت مقدس مجاز شمرده شده و قوام و ایستایی امور مردمان بدان باشد، از قبیل آن چه که می‌خورند و می‌آشامند و می‌پوشند و نکاح می‌کنند و تملک می‌نمایند، خرید و فروش و هبه و عاریه‌اش حلال باشد و هر آن چه در آن به چشم می‌خورد، به همین دلیل مورد نهی قرار گرفته و به عبارت بهتر، خوردن آن ممنوع شده مثل شراب، ربا و ... پس حرام است و ضررزننده بر جسم و فاسدکننده نفس است» (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۰/۱۱). پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده‌اند: «مبادا بر ضرر مسلمان مظلومی کمک کنید، تا او به درگاه خداوند بر شما نفرین کند و نفرین او درباره شما به اجابت رسد، زیرا نفرین مسلمان مظلوم به اجابت می‌رسد» (طوسی، ۱۴۱۵: ۲۸۵/۶).

همچنین روایت دیگری از امام صادق (ع) نقل شده است که امام علی (ع) در پاسخ به سؤال جابر در مورد شخصی که خانه اش را اجاره می‌دهد و در آن خرید و فروش خمر صورت می‌گیرد، فرمودند: «اجرتش حرام می‌باشد که در اینجا مسلم است که حرمت اجاره دادن (کمک به مستأجر برای انجام جرم) علت حرمت اجرت می‌باشد» (مرعشی، ۱۳۷۵: ۱۷).

روایت دیگری از امام صادق (ع) نقل کرده‌اند که فرمودند: «سه نفر را نزد امیرالمؤمنین (ع) آوردند که یکی از آن‌ها مردی را نگه داشته بود و دیگری آن مرد را کشته بود و شخص سوم آن‌ها را تماشا کرده بود. امام در مورد مردی که تماشا کرده بود، دستور داد تا چشمانش را با میله کور کردند و شخصی که مقتول را نگه داشته بود، حبس ابد گردید و قاتل را هم قصاص کرد» (خوئی، ۱۴۰۸: ۱۱-۱۲/۲).

۳-۱- عقل

مستندات قاعده حرمت اعانت بر اثم، علاوه بر کتاب و سنت، حکم عقل هم می‌باشد. «عقل به قبح اعانت بر اثم که سبب خشم مولی می‌شود، حکم کرده است. همان طوری که ارتکاب آن نیز عقلاً قبیح است، لذا ما را امر کرده تا آن را ترک کنیم. همچنین عقل، تهیه مقدمات و اسباب فعل حرام و اعانت بر فعل را قبیح می‌داند و بدین سان معین را مستحق عقاب دانسته است. از آنجا که قوانین جزایی نیز او را مستحق کیفر می‌دانند، بدین جهت قوانین عرفی مکلف به ایجاد قوانین جزایی شده‌اند، اگرچه معین نقش اصلی در جرم نداشته باشد. وی را مجازات می‌کنند، مثلاً اگر کسی در سرقتی سارق را یاری دهد و اسباب سرقت را فراهم و سارق را در این جرم یاری کند، معین و معاون جرم بوده و از دیدگاه عقل مستحق جزا و مجازات می‌باشد، همان طور که قوانین جزایی عمل کرده‌اند. حکم عقل مستقل است از قبیح بودن کمک و مساعدت بر انجام فعلی که مبعوض شارع مقدس است و یا چیزی که در آن مفسده‌ای باشد. زمانی که عقل آدمی به طور مستقل چنین فعلی را قبیح یابد، به دلیل قاعده ملازمه کل ما حکم به العقل حکم به الشرع در شریعت مقدس نیز چنین فعلی قبیح خواهد بود و شخص اعانت‌کننده هم مبعوض شارع مقدس خواهد بود» (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۰: ۳۰۰/۱).

امام خمینی (ره) در مورد قباحت عقلی اعانت بر اثم می‌فرماید: «حکم عقل بر قبح اعانت بر غیر است، برای نافرمانی امر خداوند و آن چه مورد غضب اوست، لذا اعمال و مساعدت فاعل آن، از نظر عقل زشت و مطرود و مستوجب مجازات است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۱۳۲/۱). «معاونت در ارتکاب آن، از مصادیق بارز اعانت بر اثم می‌باشد. فی الواقع، در حقوق کیفری اسلام، به عمل شخصی که با تهیه وسایل یا دادن اطلاعات لازم، موجبات خودکشی دیگری را فراهم می‌کند، اعانه بر اثم گفته شده و باتوجه به این که حکم اعانت بر اثم، مطابق قاعده فوق، حرمت است» (منتظری، ۱۴۱۷: ۳۲۸). بنابراین برای شخص معاون به استناد همین قاعده باید حکم به حرمت داد.

۲- معاونت در خودکشی کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوق کیفری

عکس‌العمل حقوق کیفری ایران نسبت به معاونت در خودکشی از چند دیدگاه قابل بررسی می‌باشد: امکان تحریک دیگری به خودکشی به‌عنوان معاونت در جرم یا سبب اقوی از مباشر یا مجرمیت عاریه‌ای و یا جرم مستقل که در این مبحث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- امکان تحریک دیگری به خودکشی به‌عنوان معاونت در جرم

در حقوق ایران باتوجه به «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» و باتوجه به این که تا زمانی که فعل یا ترک فعلی را قانون‌گذار جرم نشناخته و برای آن مجازاتی مشخص نکرده باشد، ولی هرچند این عمل زشت باشد، قابل مجازات نیست. از این جهت خودکشی و معاونت در آن قابل مجازات نمی‌باشد. «در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ شمسی و اصلاحات آن در سال ۱۳۵۲، خودکشی جرم نبوده و اساساً راجع به خودکشی، شروع به خودکشی یا معاونت و مشارکت در خودکشی مجازاتی پیش‌بینی نشده است و در قانون سال ۱۳۹۲ نیز این عمل و معاونت در آن جرم‌انگاری نشده است. بنابراین از غیرقابل مجازات بودن این که آگاهانه عضوی از اعضای بدنش را به‌منظور فرار از خدمت وظیفه عمومی ناقص نماید، قابل مجازات نیست، بلکه واردکردن این قبیل صدمات شخصی بدنی به‌عنوان عمل مجرمانه ممنوع بوده و مرتکب آن قابل مجازات مطابق ۵۹۲ قانون سابق مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱ است» (میرمحمدصادقی و ایزدیار، ۱۳۹۴: ۲۶) که براساس آن: «هرکس برای معافیت از خدمت نظام‌وظیفه و یا تهدید فرمانده یا رییس و یا دیگر خدمت مقرر به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌شود» و مثال دیگر ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ است: «هر نظامی که برای فرار از کار با انجام وظیفه و یا ارباب و تهدید فرمانده یا رییس یا هر مافوق دیگر برای معافیت از خدمت و یا انتقال به مناطق مناسب‌تر و یا کسب امتیازات دیگر عمداً به خود صدمه وارد آورد یا تهدید به خودزنی نماید یا به عدم توانایی جسمی یا روحی متهم‌شود و بنا به گواهی پزشک نظامی یا پزشکان قانونی، تمارض او ثابت گردد و یا

در انجام وظایف نظامی بی‌علاقگی خود را در موارد متعدد ظاهر کند، به‌نحوی که در تضعیف سایر نیروهای نظامی مؤثر باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به ترتیب زیر محکوم می‌گردد: ۱- هرگاه در مقابل دشمنان باشد، چنان‌چه عمل وی موجب اخلال در نظم (به‌هم‌خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد، به مجازات محارب و در غیر این صورت به حبس از ۲ ماه تا ده سال؛ ۲- هرگاه در زمان جنگ باشد و در مقابل دشمنان نباشد، حبس از ۱ تا ۵ سال؛ ۳- در سایر موارد به استثنای مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود، به حبس از ۳ ماه تا ۲ سال.»

«در حقوق جزای ایران فرض شرکت در خودکشی قابل تحقق است، به این صورت فردی یک سر طنابی را که به گردن خود پیچیده است، به دیگری داده و سر دیگر طناب را نگه داشته و دو نفر با کشیدن دو سر طناب موجبات مرگ خودکشی‌کننده را فراهم سازد. به‌نظر می‌رسد در این فرض اولیای مقتول بتوانند نصف دیه قاتل را به وی پرداخت کرده، او را قصاص نمایند» (گلدوزیان، ۱۳۹۱: ۷۶). همچنین در اکراه در خودکشی هم محقق است که اگر کسی بدون علم و آگاهی مجنی‌علیه، موجبات مرگ او را به دست خود او فراهم آورده یا مجنون یا فرد نابالغی را از طریق تحریک و ترغیب وادار به خودکشی نماید، چنین اعمالی از مصادیق قتل عمد خواهد بود، «مثل این که چنان‌چه شخص مجنون یا طفلی را که شنا نمی‌داند، وادار به شناکردن نماید و یا سلاحی را به کودکی داده و او را تشویق کند که ضمن ملاحظه داخل لوله اسلحه، ماشه را بکشد، در این موارد معاونت در خودکشی منقضی بوده و این قبیل موارد از مصادیق قتل عمد خواهد بود، زیرا مرتکب با قصد سلب حیات از فرد معینی، کاری را انجام داده که منجر به سلب حیات فرد گردیده است. در مورد معاونت در خودکشی قانون‌گذار معاونت را به‌عنوان جرم مستقل نمی‌شناسد، بلکه در این مورد از نظریه مجرمیت استعاره‌ای پیروی کرده است، بدین معنا که مادامی که عمل اصلی جرم نباشد، نمی‌توان برای معاون آن مجازات تعیین کرد» (گلدوزیان، ۱۳۹۱: ۸۱)، ولی باوجود نظرات موجود برای تعیین مجازات معاون دو نظریه وجود دارد: ۱- نظریه یگانگی یا وحدت جرم (اکتسابی)؛ ۲- نظریه چندگانگی جرم.

قانون‌گذار در مواردی چند نظیر اخفای مال مسروقه (ماده ۶۲۱ ق.م.ا. تعزیرات)، مخفی کردن تبه‌کاران (ماده ۵۵۳ ق.م.ا. تعزیرات)، اخفای اشخاص (ماده ۶۲۱ ق.م.ا. تعزیرات) از دوگانگی جرم معاونت و مباشرت را پذیرفته است، ولی تبعیت او از نظام مذکور محدود به جرایم خاص و استثنا است، اما در مورد معاونت در خودکشی اخیراً مطابق قانون جرایم رایانه‌ای، معاونت در خودکشی به‌وسیله سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی، جرم شناخته شده است. طبق ماده ۱۵ قانون مذکور و بند «ج» آن: «هرکس از طریق سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی به‌منظور ارتکاب جرایم و انحرافات جنسی یا سایر جرایم یا خودکشی یا استعمال مواد روان‌گردان، اشخاص زیر هجده سال تمام را آموزش داده یا تبلیغ یا تحریک یا تهدید یا تشویق یا دعوت نموده یا فریب دهد یا طریق ارتکاب یا استعمال آن را تسهیل نماید یا آموزش دهد، به حبس از یک‌روز تا یک‌سال یا جزای نقدی از دویست میلیون و پانصد هزار تا ده میلیون ریال یا به هردو مجازات محکوم خواهد شد.» که در واقع این ماده نیز استثنایی در باب معاونت در خودکشی می‌باشد که به‌عنوان جرم مستقل آمده است.

در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی آمده است که: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: ۱- هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا به‌وسیله فریب یا سوءاستفاده از قدرت موجب وقوع جرم گردد؛ ۲- هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد؛ ۳- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.»

باتوجه به ماده ۱۲۶، ترغیب در بند «الف» ماده از کلمه رغبت آمده و نوعی تحریک است، یعنی ایجاد میل و علاقه در دیگری به انجام دادن کاری، تهدید به معنای ترسانیدن و بیم‌دادن و تحریک به حرکت درآوردن، جنبانیدن، واداشتن و برانگیختن و تطمیع به معنای وعده پرداخت پول آمده است. در مورد نقش معاونت در خودکشی، در واقع معاونت در خودکشی در بخش‌هایی با مفاد ماده ۱۲۶ همخوانی دارد و در مواردی عمل خودکشی یک عمل دو نفره است و نیاز به کمک کسی دارد که این فرد یا فرد خودکشی‌کننده را تحریک به این عمل کرده یا وسایل ارتکاب جرم را برای فرد فراهم می‌کند، مانند این که برای فرد اسلحه یا سم یا قرص را تهیه می‌کند، با علم به این که این فرد وسایل مذکور را برای ارتکاب خودکشی

می‌خواهد و در مواردی وقوع جرم را تسهیل می‌کند، مانند بند «پ» ماده ۱۲۶ مثال برای این موارد که آموزشی به فرد می‌دهد که راحت‌تر و آسان‌تر خودکشی نماید و با نشان دادن راهکار این عمل را آسان جلوه می‌دهد. باتوجه به آن چه گفته شد، مثال دوم نقش مهمی دارد، مانند فردی که در حبس است و فردی برای او قرص تهیه می‌کند (مانند قرص برنج)، اما باز هم با نتایجی که از یافته‌های اساتید علم جزا به‌دست آمده است، برای وقوع معاونت با وسایل و اوضاع و احوال شروطی لازم است که عمل فرد را معاونت بدانیم. برای نمونه مرتکب باید با همان وسایل که معاون فراهم کرده است، به ارتکاب جرم دست بزند و عمل معاون باید قبل یا در حین ارتکاب جرم اصلی باشد و مهم‌تر از همه مدت قصد و تقدم یا اقرار زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است (تبصره ماده ۱۲۶)، اما مهم‌ترین بحث معاونت که در واقع باعث شده است، جرمی به‌عنوان معاونت در خودکشی نداشته باشیم و در واقع، اصلی‌ترین دلیل معاونت این است که فعل مباشر جرم باشد و همان‌طور که در مباحث قبل توضیح داده شد، چون خودکشی جرم نیست، عمل معاونت هم جرم نیست، اما قانون‌گذار معاونت در خودکشی را به‌صورت مستقل جرم انگاری کرده، مانند معاونت در خودکشی (ماده ۱۵ جرایم رایانه‌ای) که قانون‌گذار این مورد معاونت را به‌عنوان جرم مستقل آورده و در اصل یک استثنا بر اصل (جرم‌بودن عمل مباشر) است و در اکثر مواد، معاون خودکشی نقش به‌سزایی در ارتکاب این عمل دارد و در بیشتر موارد خودکشی‌ها فرد با کمک فردی دیگر دست به ارتکاب این عمل می‌زند.

۲-۲- امکان تلقی تحریک به خودکشی به‌عنوان سبب اقوی از مباشر

باتوجه به تعریف خودکشی (سلب عمدی حیات از خود) و ضرورت اختیار مرتکب در تحقق آن، هر عاملی که عمد و یا اختیار مرتکب را متزلزل یا زایل نماید، موجب انتفای عنوان خودکشی در این مفهوم خواهد بود. بنابراین سبب اقوی از مباشر در فرضی مصداق دارد که مرتکب قاصد و یا مختار نبوده، در اثر فریب یا اجبار دیگری مبادرت به خودکشی کنند. در یک مفهوم کلی‌تر می‌توان گفت اگر خودکشی ناشی از سببی باشد که تأثیر آن از مباشرت بیشتر باشد، سبب به‌عنوان قاتل عمدی

قابل تعقیب خواهد بود. تأثیر سبب و تشخیص اقوی بودن آن از مشکلات حقوق جزا است.

اکراه نیز از مصادیق بارز سبب اقوی از مباشر است. به موجب ماده ۳۷۵ ق.م. ۱۳۹۲ «اکراه در قتل مجوز قتل نیست بنابراین اگر کسی را وادار به قتل دیگری کنند، مرتکب قصاص می شود و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می گردد»، اما باتوجه به این که در اکراه، اکراه شونده علیه ثالثی مرتکب جرم می شود، آیا می توان حکم کلی آن را به مورد خودکشی تسری داد؟ (آقای نیا، ۱۳۸۶: ۲۹-۲۶).

اگر بتوان فرد مساعدت کننده را سبب اقوی از مباشر دانست، وی نه تنها از مسؤولیت کیفری مبری نخواهد بود، بلکه به عنوان قاتل قابل مجازات می باشد. نمونه این مورد وقتی است که فرد خودکشی کننده صغیر غیرممیز یا مجنون باشد و به دلیل حيله و فریبی که دیگری به کار برده است (مثلاً نسبت به ماهیت مسموم مایعی که می نوشد) ناآگاه بوده و با نوشیدن آن جان دهد، آمر را قصاص می کنند، زیرا او قاتل عمد به حساب می آید، «لیکن اگر صغیر ممیز و یا کبیر باشد، آمر قصاص نمی شود، زیرا در این حالت نمی توان قتل را به آمر مستند دانست، بلکه به خود مقتول مستند است. حکم مذکور در صورتی است که قاتل، مختار باشد و یا اگر مورد تهدید قرار گرفته، تهدید به کمتر از قتل یا به خود قتل باشد، اما اگر تهدید به چیزی بیشتر از قتل باشد، مثل این که بگوید: خودت را بکش، والا تو را قطعه قطعه خواهم کرد، در این صورت خودکشی جایز خواهد بود، زیرا در این صورت مانعی از شمول ادله اکراه نخواهد بود. از این رو به موجب ادله اکراه، حرمت قتل نفس از بین خواهد رفت. اینک باید دید که آیا در فرض اخیر، می توان به ثبوت قصاص بر اکراه کننده حکم کرد؟ به نظر صاحب مبانی تکلمه المنهاج پاسخ منفی است، زیرا اکراه شخص بر کشتن خود و تهدید او به نوعی از قتل که سخت تر از کشتن خویشتن به دست خود اوست، موجب خروج مکره از اختیار نمی شود و وی با انتخاب خود، به جهت احتراز از مرگی شدیدتر و دشوارتر، خود را کشته است» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۲۸). «بنابراین قتل قطعاً به خود او مستند است نه به آمر و مکره. از این رو وجهی برای ثبوت قصاص بر اکراه کننده نیست، نظیر صورتی که

شخص بداند که اگر خود، خویشتن را نکشد به دست دیگری به شکلی سخت تر کشته می شود، آنگاه ناگزیر دست به خودکشی زند که در اینجا بی تردید نمی توان قتلش را به دیگری مستند کرد، بلکه خود، عامل قتل خویش محسوب می شود، اما این ادعا که در این فرض، سبب اقوی از مباشر است، بدین ترتیب رد می شود که دلیلی بر تقدم سبب اقوی بر مباشر وجود ندارد، زیرا ملاک در باب قصاص، این است که قتل عرفاً به چه کسی مستند است و بدیهی است که در محل سخن، به هیچ وجه نمی توان آن را به مکره و تهدیدکننده مستند دانست» (گرچی، ۱۳۸۱: ۱۳۷-۱۳۶).

«سبب اقوی از مباشر را نباید به مواردی که مثلاً دختری به دلیل آلام روحی یا بی آبروشدن ناشی از تجاوز جنسی قرار گرفتن خود را می کشد یا شخص مجروحی به دلیل درد شدید ناشی از جراحتهای وارده خودکشی می کند، تسری داده و در نتیجه شخص متجاوز یا ضارب را در این موارد قاتل محسوب کرد. در چنین صورتی حدود و ثغور این قاعده آنچنان گسترده می شود که برای مثال، باید بدهکاری را هم که به دلیل ندادن بدهی خود باعث ورشکستگی طلبکار و خودکشی او از ترس آبروریزی می شود و یا همسر کسی را که به دلیل بدرفتاری با وی، باعث خودکشی او می شود، قاتل محسوب کنیم، درحالی که در این موارد رابطه سببیت عرفی وجود ندارد» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۶۹).

۲-۳- امکان تلقی تحریک به خودکشی به عنوان مجرمیت عاریه ای

به موجب این توجیه، اعمال مجرمانه معاون از عمل شریک یا مباشر جرم عاریه گرفته می شود، در نتیجه اعمال مادی که معاونت را ایجاد می کنند مانند تسهیل وسیله یا تحریک و یا دسیسه و فریب خود عاری از بار مجرمیت خاص هستند. مثالهایی مطالب را روشن می کند: تهیه اسلحه ای که برای ارتکاب جرم به کار می رود و مراقبت از حول و حوش صحنه جرم به تنهایی رنگ کیفری نمی گیرند، مگر به دلیل جرمی که توسط مباشر یا شرکا انجام شده و در ارتباط با رابطه فکری است که بین مجرم و معاون وجود دارد. معاون در این توجیه یک جرم مستقل انجام نداده، بلکه به تبع مباشر یا شرکا می تواند

مجرم باشد، قبول این توجیه به ناچار نتایج غیرقابل قبولی ایجاد می‌کند که نمی‌توان آن‌ها را نادیده انگاشت (نوربها، ۱۳۸۶: ۲۰۴).

۱- چون معاون با اراده خود به ارتکاب جرم دیگری کمک کرده و یاری رسانیده است، می‌گویند او قبلاً چک سفید امضا در اختیار مباشر یا شرکا برای قبول سرنوشت خود داده است. بنابراین معاون از همان نتایجی برخوردار خواهد شد که مباشر در این مورد اگر به فرض، عمل اصلی بیش از آن‌چه که معاون تصور می‌کرده و قصد داشته پیش برود، باز معاون از نظر جزایی مسؤول است، مثلاً اگر فردی به دیگری جهت اجرایی جعل امضا مساعدت کند و مباشر علاوه بر استفاده در مورد خاصی که معاون آن را خواسته است، در موارد گوناگون از این جعل بهره‌برداری کند، می‌گوییم معاون خود با سفید امضایی که قبلاً داده، این موارد را نیز پیش‌بینی می‌کرده است.

۲- از این نظر که فقط یک جرم قابل مجازات وجود دارد (یعنی جرمی که مباشر انجام داده است) بنابراین اگر عمل اصلی به دلیل با دلایلی قابل مجازات نباشد و یا اصولاً عمل اصلی جرم نباشد، معاون نیز قابل کیفر نتواند.

۲-۵- امکان تلقی تحریک به خودکشی به عنوان جرم مستقل معاونت در خودکشی را باید در قالب معاونت در جرم تبیین و تشریح کرد، اما «می‌توان به تبعیت از برخی کشورهای دیگر همچون انگلستان، برای جلوگیری از مساعدت افراد به‌ویژه صاحبان حرفه‌های مرتبط با پزشکی در خودکشی دیگران، این عمل را به‌طور خاصی نیز جرم‌انگاری نمود. به این معنا که علی‌رغم جرم‌نبودن خودکشی، مساعدت و معاونت در ارتکاب آن را واجد عنوان مجرمانه دانسته و به‌تبع برای آن ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفت. این امر مستلزم آن است که ابتدا از موضع قانون‌گذاری ایران نسبت به معاونت در جرم به‌عنوان یک جرم مستقل، آگاهی یابیم. به‌طور کلی، رویکرد حقوق کیفری ایران به معاونت در جرم، پیروی از نظریه مجرمیت عاریه‌ای است و در بحث معاونت در جرم اصل بر نظریه استعاره مجرمیت است، اما با این حال گاه قانون‌گذار در پاره‌ای از موارد، معاونت در جرم را به‌عنوان یک جرم خاص و مستقل مورد توجه قرار داده و عملی را که ماهیت از مصادیق معاونت در جرم

است، نه به‌عنوان معاونت، بلکه به‌عنوان جرم مستقلی مجازات می‌کند. به‌عنوان نمونه، در قانون تعزیرات، قانون‌گذار در موارد متعددی، تهیه وسایل ارتکاب جرم یا ارائه طریق ارتکاب آن را به‌عنوان جرم مستقل پذیرفته است» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۶۶)، مثلاً در ماده ۷۱۸ ق.م.ا ۱۳۹۲ دلالت به راهنمایی کردن زن به استعمال ادویه یا وسایل دیگری برای سقط جنین از سوی اشخاص عادی پرداخته است که منطبق بر بند آماده «قانون مجازات اسلامی» در مورد ارائه طریق برای ارتکاب جرم می‌باشد که قطعاً باید چیزی فراتر از صرف تحریک، ترغیب، تطمیع و نظایر آن و توأم با آموزش و راهنمایی کردن باشد و مجازات شخص معاون در چنین حالتی از سه تا شش ماه خواهد بود یا هرگاه تهیه کردن وسایل سقط جنین که منطبق بر همان ماده ۱۲۶ در مورد (تهیه وسایل ارتکاب جرم) می‌باشد، از سوی اشخاص حرفه‌ای مثل «طیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی که به‌عنوان طبابت یا مامایی یا داروفروشی اقدام می‌کنند» انجام شود، مرتکب به ماده ۶۲۴، به حبس از ۲ تا ۵ سال محکوم خواهد شد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۳۰۱). «در حوزه‌های امنیتی نیز قانون‌گذار در مواردی، تحریک به ارتکاب جرم را که از مصادیق معاونت در جرم است، مستقلاً جرم‌انگاری کرده است و منتظر وقوع رفتارهای مجرمانه‌ای که معاون خواستار آن شده، نمی‌نشیند. برای مثال، ماده ۵۰۴ قانون تعزیرات، برای کسی که نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند، تحریک مؤثر به عصیان فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند، مجازات در نظر گرفته است. همچنین ماده ۵۱۲ نیز برای کسی که مردم را به‌قصد برهم‌زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند، صرف نظر از این‌که موجب قتل یا غارت بشود یا نشود، به ۱ تا ۵ سال حبس محکوم می‌گردد» (آقایی‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۷).

و برابر مقررات بند ۶ ماده ۲۶۸ ق.م.ا، «سرقه در صورتی موجب حد می‌شود که سارق پدر صاحب مال نباشد»، اما اگر فردی با پدری در سرقت اموال فرزندش همکاری کند، چون اصل فعل مرتکب قابل مجازات نیست، معاون هم مجازات نمی‌شود، اما اگر همین موجب اخلال در نظم شود، پدر تعزیر به حبس از ۱

تا ۵ سال و معاون به حبس ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌گردد (شامبیاتی، ۱۳۸۹: ۲۳۷).

«قانون‌گذار گاه در برخی از قوانین متفرقه نیز از این رویه پیروی نموده است. در این زمینه، می‌توان به ماده ۴۰ قانون گذرنامه مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۵۱ و ماده ۲۵ قانون مطبوعات مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۶۴ اشاره کرد، البته در این نکته خالی از فایده نیست که در برخی موارد، قانون‌گذار مصادیق رفتاری معاونت را حتی فراتر از آنچه قانون مجازات اسلامی مقرر نموده، پیش‌بینی کرده است. به‌عنوان مثال مطابق بند ۶ ماده واحده قانون مجازات اخلاص‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۹۴/۰۴/۱۲ کسانی که از تهیه و تدارکات آلات و اسباب جرم یا مقدمات ارتکاب جرایم مندرج در این قانون مطلع شده و جریان را به مقامات اعلام ننمایند، به مجازات معاون محکوم خواهند شد. بنابراین مواد قانونی فوق‌بیانگر آن است که مقنن ایرانی، در بحث معاونت در جرم، نه به‌نحو اطلاق، مستقل بودن آن را نفی کرده و نه مطلقاً آن را پذیرفته است، بلکه این معاونت بستگی به نوع جرم و شرایط تحقق آن دارد، اما آنچه که از مواد قانونی مذکور مهم‌تر بوده و مرتبط با موضوع بحث نیز می‌باشد، ماده ۷۴۳ قانون تعزیرات (ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای) مصوب ۵ خرداد ۱۳۸۸ است. در این ماده، قانون‌گذار، معاونت در خودکشی از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده را به‌عنوان یک جرم خاص و مستقل، جرم انگاری نموده است» (میرمحمدصادقی و ایزدیار، ۱۳۹۴: ۲۱).

ماده مزبور مقرر می‌دارد که «هرکس از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر گردد، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد»، سپس در ادامه بند همین ماده می‌افزاید: «هرکس از طریق سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی به‌منظور ارتکاب جرایم و انحرافات جنسی یا سایر جرایم یا خودکشی یا استعمال مواد روان‌گردان، تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آن‌ها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از ۹۱ روز تا ۱ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.»

در راستای تأمین نظم و امنیت اجتماعی، «قانون از طریق جرم انگاری به تحدید حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی پرداخته

و ناگزیر نیازمند اصول و ضوابطی است تا این تحدید را توجیه نماید» (قماش، ۱۳۸۹: ۱۲۱). یکی از مصادیقی که در اغلب نظام‌های حقوقی مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است، بحث معاونت در جرایم می‌باشد و واکنش کیفری نسبت به آن در قالب دو نظریه و گاه تلفیقی از آن دو نظریه صورت می‌پذیرد که عبارت از نظریه «مجرمیت عاریه‌ای» و نظریه «مجرمیت مستقل» می‌باشد. به‌موجب نظریه مجرمیت عاریه‌ای، اعمال مادی موجد معاونت، عاری از بار مجرمیت خاص هستند (نوربها، ۱۳۸۶: ۲۰۴)، اما براساس نظریه معاونت به‌عنوان یک جرم مستقل از جرم اصلی، معاونت در ارتکاب جرم به‌عنوان یک جرم مستقل تلقی شده و مورد شناسایی قرار می‌گیرد (نوربها، ۱۳۸۶: ۲۰۶). با مذاقه در تبصره ماده ۱۲۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مشخص می‌گردد که حقوق کیفری ایران در بحث معاونت در جرم، قائل به نظریه مجرمیت عاریه‌ای است، بنابراین مادام که عملی مطابق قانون جرم تلقی نگردد، معاونت در آن نیز احراز نخواهد شد. در حقوق کیفری ایران ارتکاب خودکشی فاقد وصف مجرمانه است، بنابراین معاونت در ارتکاب آن نیز قابل مجازات نمی‌باشد. از این رو علی‌رغم عقیده برخی مبنی بر عدم لزوم جرم‌انگاری خودکشی یکی از راه‌های برخورد با جرم معاونت در خودکشی، می‌تواند جرم‌انگاری «خودکشی» یا «اقدام به خودکشی» باشد، زیرا در صورت جرم‌انگاری اقدامات مذکور، معاونت در ارتکاب آن نیز به تبعیت از نظام استعاره مجرمیت، مستوجب مجازات خواهد بود (میرمحمدصادقی و ایزدیار، ۱۳۹۴: ۲۷). باوجود این قانون‌گذار به‌موجب بند «ب» ماده ۱۵ ق.ج.ر مصوب ۱۳۸۸، علی‌رغم عدم جرم‌انگاری خودکشی، به‌منظور جلوگیری از مساعدت افراد در خودکشی دیگران، معاونت در خودکشی از طریق سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی یا حامل‌های داده را نه به‌عنوان معاونت، بلکه به‌عنوان یک جرم خاص و مستقل، جرم‌انگاری نموده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۴۲-۱۱)، بدین معنا که علی‌رغم عدم جرم‌انگاری خودکشی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، معاونت در ارتکاب خودکشی از طریق سامانه‌ها و ابزار مذکور را واجد وصف مجرمانه تلقی نموده و به‌تبع برای آن مجازات در نظر گرفته است. درخصوص ماده فوق‌الذکر نکته درخور توجه، اقناع مقنن جهت جرم‌انگاری معاونت در خودکشی

یا حامل‌های داده، افراد را به ارتکاب جرایم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آن‌ها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از ۹۱ روز تا یک سال یا جزای نقدی از ۵ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال یا هردو مجازات محکوم می‌شود.» تحریک دیگری به اعمال خطرناک تحت شرایطی می‌تواند یکی از عوامل دفاع مشروع تلقی شود. براساس بند «پ» ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی، خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد، بدین معنی که یکی از مؤلفه‌های دفاع مشروع زمانی است که خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد، بر این اساس کسی که دیگری را تحریک می‌کند، نمی‌تواند مدعی شود که حق دفاع مشروع در قبال وی را دارد. نکته مهم دیگر تحریک مجنون به اقدام خطرناک است. به نظر می‌رسد بهترین راه برای جلوگیری از بسیاری خودکشی‌ها، قراردادن مجازات برای معاون این عمل است شایسته است قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی درخصوص هرگونه معاونت و شرکت در خودکشی و نیز پیمان خودکشی به‌نحو مشخص به تعیین تکلیف بپردازد. نظر بر این که عفو جانی از قصاص و یا مصالحه با وی پس از وقوع جنایت و پیش از فوت از حیث سقوط ضمان، چندان تفاوتی با تأثیر رضایت مجنی علیه پیش از وقوع جنایت در عدم ثبوت ضمان ندارد، صرف پیش‌بینی مجازات تعزیری در قانون مجازات اسلامی در این خصوص، جایگزین مناسبی برای قصاص و دیه خواهد بود.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان:

می‌باشد و جرم‌انگاری این عمل از جانب مقنن، حاکی از این است که از نظر قانون‌گذار ایران، اصول توجیه‌کننده جرم‌انگاری این پدیده مبنی بر اصل صدمه (جلوگیری از ایراد صدمه به دیگران) و پدرسالاری قانونی نسبت به تلقی نمودن معاونت در خودکشی به‌عنوان اقدامی در جهت احترام به اختیار انسان حائز تفوق است (میرمحمدصادقی و ایزدی‌ار، ۱۳۹۴: ۳۱). با توجه به مراتب فوق می‌توان دریافت که قانون‌گذار ایران، درخصوص معاونت در جرم، نه به‌نحو اطلاق، مستقل بودن آن را نفی کرده و نه مطلقاً آن را مورد پذیرش قرار داده است، بلکه این امر به نوع جرم و شرایط تحقق آن بستگی دارد.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی این سؤال پرداخته شد که رویکرد فقه و حقوق کیفری در قبال معاونت در خودکشی کودکان و نوجوانان چگونه است؟ نتایج نشان داد در حقوق اسلامی معاونت در جرم با اصطلاحاتی نظیر اعانت بر اثم، اعانت ظالمان، اعانت اعوان ظلمه مطرح است و برای کیفر آن نص خاصی وجود ندارد و فقط معاون یا معاونین در جرم تعزیر می‌شوند، لذا در مورد کسی که مساعدت در خودکشی دارد نیز بایستی به استناد همین قاعده، حکم به حرمت داد، به‌علاوه درخصوص رویکرد حقوق کیفری نسبت به معاونت در خودکشی کودکان و نوجوانان، نتایج بیانگر این امر است معاونت در خودکشی در قالب تحریک به جرم قابل تحلیل است. در قانون جزای ایران تحریک به‌عنوان یکی از طرق معاونت آمده است. به‌موجب ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: الف- هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند و یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.» تحریک به جرم، یعنی واداشتن دیگری به ارتکاب رفتار خلاف قانون به هر دستاویزی، خواه با مال، وعده یا فریب و خواه با تشویق و ترغیب و به‌طور کلی تقویت نیروی اراده ارتکاب به جرم ...، به‌طوری که اگر قانون‌گذار در بند «الف» ماده ۱۲۶ به مصادیق دیگر افعال معاونت اشاره‌ای نمی‌کرد، باز هم به‌لحاظ اطلاق تحریک فعل معاونت محقق می‌بود. علاوه بر این، به‌موجب بند «ب» ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸: «هرکس از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی

- رهبرپور، علی و تقوی، سیدعباس (۱۳۹۷). «معاونت در خودکشی با نگاهی به قوانین موضوعه ایران». *مجله کارآگاه*، ۱۱(۴۲): ۸۷-۹۷.

- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۹). *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت)*. چاپ سوم، تهران: نشر مجد.

- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۰۶). *تکمله العروه الوثقی*. چاپ سوم، قم: کتابفروشی داوری.

- طوسی (شیخ طوسی)، ابوجعفر محمد (۱۴۱۵). *المبسوط فی الفقه الامامیه*. جلد ششم، چاپ نهم، تهران: المکتبه المرتضویه الاحیاء الآثار الجعفریه.

- طوسی (شیخ طوسی)، محمد (۱۴۰۳). *الخلاف*. جلد سوم، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- عبدالکریمی کومله، رضوانه (۱۳۹۲). «بررسی معاونت در خودکشی در حقوق کیفری و قوانین موضوعه ایران». *ماهنامه پایا شهر*، ۵(۴۷): ۱۵۴-۱۶۸.

- قلعه‌ای‌ها، علی و بهروزی‌فرد، فاطمه (۱۳۹۵). «بررسی اپیدمیولوژیک اقدام‌کنندگان به خودکشی بستری در بیمارستان سینا همدان از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۱». *مجله پزشکی بالینی ابن‌سینا*، ۱۳(۴): ۵۸-۶۳.

- قماش، سعید (۱۳۸۹). «بنیادهای جرم‌انگاری در حقوق کیفری نوین». *مجله حقوق اسلامی*، ۷(۲۴): ۱۱۷-۱۴۷.

- کیخاونی، ستار؛ محمدزاده، جهان‌شاه؛ محمدی، جلال؛ نصراللهی، عباس؛ پیراحمدوند، مهرداد؛ رضایی، راحله و رضایی، کبری (۱۳۹۱). «رابطه تاب‌آوری و سلامت روان با آسیب‌پذیری در برابر مواد مخدر در دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر ایلام در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹». *فصلنامه تاریخ پزشکی*، ۴(۱۳): ۶۷-۸۴.

- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۱). *حدود تعزیرات و قصاص*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۱). *حقوق جزای اختصاصی*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

فاطمه برزگر: جمع‌آوری مطالب و تدوین مقاله؛ زهرا فهرستی: راهنمایی و نظارت بر تألیف مقاله؛ سیدعلی پورمنوچهری: نظارت بر تدوین مقاله و معرفی منابع.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- اسلامی شهریابی، مهین و نصیریان، منصوره (۱۳۹۴). «اهمیت توجه به افکار و رفتار خودکشی در کودکان خردسال (تهدید به خودکشی در یک کودک پنج‌ساله)». *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۲۱(۱): ۷۵-۷۸.

- آقای‌نیا، حسین (۱۳۸۶). *جرایم علیه اشخاص (جنایات)*. چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.

- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). *کتاب‌المکاسب*. جلد یازدهم، چاپ ششم، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

- جعفرزاده، جعفر؛ آری، محمود؛ ابوالحسینی، علی‌اکبر و علی‌تبار فیروزجائی، محمدباقر (۱۳۹۶). «دله حرمت خودکشی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران». *فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۱۳(۴۹): ۵۷-۷۰.

- حسینی شاهرودی، سیدعلی (۱۴۰۸). *محاضرات فی الفقه الجعفری*. جلد اول، چاپ ششم، قم: دارالکتاب الاسلامی.

- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۳). *سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران (پلی‌کی)*. چاپ اول، قم: مجتمع آموزش عالی قم.

- خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۰۸). *مبانی تکمله المنهاج*. جلد دوم، چاپ اول، قم: مؤسسه احیای آثار الامام الخوئی.

- رضایی، امیدوار و ثقیلاسلام، طاهره (۱۳۸۴). «بررسی مواردی از خودکشی کودکان مراجعه‌کننده به بیمارستان لقمان حکیم». *نشریه پزشکی قانونی ایران*، ۱۱(۳۹): ۱۲۳-۱۲۷.

- لنکرانی، محمدفاضل (۱۴۱۶). *قواعد الفقیهه*. جلد اول، چاپ اول، قم: انتشارات مهر.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۹). *قواعد فقه*. جلد چهارم، چاپ هفدهم، قم: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مرعشی، محمدحسن (۱۳۷۵). «معاونت در جرم». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی*، ۱(۱): ۴-۴۱.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۷). *دارسات فی المکاسب المحرمه*. چاپ اول، قم: انتشارات تفکر.
- موسوی بجنوردی، حسن (۱۴۱۰). *القواعد الفقیهیه*. جلد اول، چاپ دوم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- موسوی خمینی، سیدروح‌اله (۱۴۱۵). *المکاسب المحرمه*. جلد اول، چاپ سوم، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲). *جرایم علیه اشخاص*. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین و ایزدیار، علی (۱۳۹۴). «خودکشی مساعدت‌شده پزشکی». *فصلنامه حقوق پزشکی*، ۹(۳۲): ۱۱-۴۲.
- نراقی کاشانی، ملااحمد (۱۴۱۷). *عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام*. چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- نوربها، رضا (۱۳۸۶). *زمینه حقوق جزای عمومی*. چاپ سوم، تهران: نشر دادآفرین.